

شرحی کهن و عرفانی بر شعر حافظ

شرح عرفانی غزلهای حافظ. نوشته ابوالحسن [سیف‌الدین] عبدالرحمن ختمی لاهوری. تصحیح و تعلیقات بهاء‌الدین خرمشاهی، کوروش منصور، و حسین مطیعی امین. تهران، نشر قطره، ۱۳۷۴، ۴ ج [مجموعاً در ۳۰۵۹ صفحه] همراه با انواع فهرس و کشف‌الاسیات، دوره ۹۰۰۰ تومان.

در آخرین روزهای اسفندماه ۱۳۷۴، اثری کلان در چهار مجلد و جمعاً بیش از سه هزار صفحه، تحت عنوان شرح عرفانی غزلهای حافظ، با تصحیح و تعلیقات یکی از کوشا ترین حافظ پژوهان عصر ما آقای بهاء‌الدین خرمشاهی، با همکاری آقایان کوروش منصور، و حسین مطیعی امین، از سوی نشر قطره، در هیأتی آراسته و پیراسته انتشار یافت.

شرح و تفسیرنویسی یکی از پدیده‌های مهم قدیم و جدید فرهنگ اسلامی - ایرانی ماست. صاحب‌نظرانی که دست اندرکار تهیه و تدوین کتابنامه بزرگ قرآن هستند از وجود بیش از شش هزار تفسیر قرآن (به هر زبان و بیشتر از همه عربی) خبر می‌دهند. همچنین کتابنامه نگاران حافظ بیش از ۲۰۰ شرح بر شعر او معرفی کرده‌اند که بیش از پنجاه عنوان آن (غالباً در شبه قاره هند) به طبع

رسیده است. ولی از شروع قدیم شعر حافظ، در ایران فقط شرح سوری به طبع و تجدید طبع رسیده است، و بدرالشروح، و همین شرح عرفانی غزلهای حافظ. لذا انتشار این شرح را باید مغتنم شمرد و به دست اندرکاران آن تبریک گفت. در باره کم و کیف عرفان حافظ کتابها و مقاله‌های متعددی نوشته شده است. خود آقای خرمشاهی هم در مقدمه چاپ دوم (و به بعد) ذهن و زبان حافظ، هم در مقدمه چاپ سوم (و به بعد) حافظ نامه و هم مبسوط‌تر از همه در فصلی به نام «اندیشه‌های عرفانی حافظ» در کتابی به نام حافظ (اولین اثر از سلسله بنیانگذاران فرهنگ امروز نشر طرح نو، ۱۳۷۳) بحث کرده است. راقم این سطور در مجموع نظرگاه اعتدالی و واقع‌گرایانه و بدون افراط و تفریط آقای خرمشاهی را در باره عرفان حافظ و ارزیابی آن قبول دارد که ابتدا نظر خود را با براعت استهلال در این جمله بیان کرد که «حافظ انسان کامل نیست، بلکه کاملاً انسان است»، سپس باز در عبارت فرمول‌واری بیان کرد که بزرگانی چون سنایی، عطار و مولانا عارف شاعرند، و حافظ شاعر عارف است. یعنی برای آنان عرفان اصل، و شعر و شاعری فرغ است. اما برای حافظ هنر و شعر اصل است و عرفان فرع. او برآن است که حافظ هم در عرفان نظری دست دارد، و هم در عرفان عملی، به شهادت بعضی از غزلهایش صاحب احوال و اذواق و مواجهیه است. ولی از سوی دیگر انتقاد او از صوفی و تصوف رسمی و خرقة - خانقاهی نیز در دیوانش متواتر است. و فصل فرعی‌ای که باز ایشان تحت عنوان «فراز حافظ از تصوف و پناه او به عرفان» نوشته است، واقع‌بینانه است. یعنی پایه استناد و اعتبارش در شعر حافظ است. همچنین آقای خرمشاهی برخلاف افراط‌گرایان، که می‌خواهند از حافظ رند، شخصیت پارسای عابد و زاهدی بسازند، و شعر او را یکپارچه استعاره و نماد پردازی عرفانی بدانند، می و معشوق را در شعر حافظ سه‌گونه می‌داند، عینی، ادبی، و استعاری؛ و این تأملات و برداشتهای او در به دست دادن سیمای اصیل حافظ، به واقع به اهل اندیشه و تحقیق - تا چه رسد به دانشجویان - مدد می‌رساند. زیرا به شیوه‌ای محصل و موجز و بدون اطناب و تفصیل و فلسفه بافی و دورپردازیهای رازورانه بیان شده است، حال باید دید با این حساب چگونه با کمک دوستان جوان و کاردانش، کمر همت به تصحیح یک متن عرفانی غلیظ بسته است؟ به نظر می‌رسد که در میان شرحهای خطی دیوان حافظ، متنی قدیم‌تر و صدر و ذیل‌دارتر و منضبط‌تر و مضبوط‌تر از این سزاغ نکرده است. از آنجا که اهل جدل نیست، به شیوه‌ای غیرمستقیم خواسته است نشان بدهد که عمیقاً و سراپا عرفان و عارفانه انگاری شعر حافظ، اگرچه مکتبی برطرفدار است، اما لامحاله از افراط و یکسونگری خالی نیست. از سوی دیگر عده‌کثیری از حافظ پژوهان و حافظ دوستان و عرفان پژوهان این متن را مغتنم می‌شمارند و جای شرح عرفانی سراسری دیوان حافظ که ارزش علمی و عرفانی‌اش تا به این پایه باشد در میان ادبیات حافظ پژوهی ما خالی بود.

ارزش عرفانی شرح حاضر از شرحهای مشابه فراتر است و شیوه مؤلف (ختمی لاهوری، نیمه اول قرن یازدهم هجری) شیوه‌ای محققانه است و به صدها متن و مرجع عرفانی مراجعه و

شرح عرفانی غزل‌های حافظ

نوشته

ابوالحسن عبدالرحمان ختمی لاهوری

تصحیح و تصانیف
بهادالدین خرمشاهی
گوروش مصوری
حسین مطیعی امین

مجلد چهارم

شرح غزل‌های ۴۶۳ تا ۴۶۶
و دیوان

تیرماه ۱۳۳۲

۴۶۳

نقل و استناد کرده است که مصححان در تعلیقات خود غالباً آن منابع و منقولات را بازیابی و بازشناسی کرده‌اند، و هر متنی را با بهترین تصحیح و طبع آن انطباق داده‌اند.

مؤلف این شرح که از عرفا و عرفان پژوهان و حافظ پژوهان هندی مسلمان و فارسی‌زبان است، جز این هم شرح دیگری بر شعر حافظ دارد به نام *مروج البحرین*. او حافظ را عارف شاعر می‌داند و دیوان و شعر او را سراسر استعارات و اشارات عرفانی می‌داند. عرفان مورد نظر او آمیزه‌ای از عرفان عاشقانه ایرانی، و عرفان فلسفی - نظری ابن عربی و شارحان و پیروان اوست و امهات منابع و متون عرفانی را - بر وفق هر دو مشرب و مکتب - در دست دارد، و در شرح شعر حافظ (که بیت به بیت ۴۶۳ غزل را عرفانی شرح کرده است) ابتدا از قرآن و حدیث و سپس از این منابع نقل می‌کند.

این نیز گفتنی است که نشر فارسی این اثر نثری است که در هند، در چهارصد سال پیش نوشته شده است. چه بسا زبان فارسی، زبان مادری مؤلف نبوده، بلکه زبان علمی و نگارش او بوده است. اما چنین نیست که عباراتش نامفهوم یا مغلق باشد، فقط کافی است که متن را با دقت و تأمل بیشتری بخوانیم، و پس از چند مراجعه سبک و سیاق مؤلف و عادات زبانی و شیوه‌های بیانی او به دستمان می‌آید.

تصحیح این اثر بر حجم بر مبنای دو نسخه خطی یکی محفوظ در کتابخانه گنج بخش پاکستان و دیگری محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران انجام گرفته است. از آنجا که دو نسخه مبنای تصحیح همسانیهای بسیار داشته‌اند، مصححان اختلاف قرائت ناچیز را منعکس نکرده‌اند، بلکه از فضای پای صفحات برای تعلیقات استفاده برده‌اند.

ابتدا هر غزل را که در متن اصلی به صورت ابیات پراکنده آمده است، جمع کرده‌اند و در واقع روایت این متن را از دیوان حافظ با جداگانه و مستقل نوشتن هر غزل، به دست داده‌اند. و برای آنکه میزان صحت و دقت ضبط و چون و چند عبارات غزلها در این متن معلوم گردد، هر غزل را که مستقل نوشته‌اند و شماره‌گذاری کرده‌اند، با دو تصحیح مهم و معتبر از دیوان حافظ، یعنی دیوانهای مصحح قزوینی - غنی و خانلری سنجیده‌اند و اختلافات را در پای صفحات آورده‌اند. سپس شرح هر غزل را بیت به بیت نقل کرده‌اند و کلمات مورد شرح را با حروف سیاه آورده‌اند تا زودیاب باشد و ضمناً نص و متن عبارات غزلها، از شرح متمایز باشد. همچنین شرح را پاراگراف‌بندی و نقطه‌گذاری امروزی کرده‌اند، و در مجموع هیأت چاپی این اثر شفاف و روشن است و برای آنکه هر بیت را بتوان به سرعت در متن این کتاب کلان چهار جلدی پیدا کرد کشف‌الابیاتی از همه ابیات ۴۶۳ غزل این متن تدوین کرده‌اند، که کار را برای مراجعه‌کننده بسیار آسان ساخته است. مصححان بر تصحیح خود مقدمه‌ای روشنگر نوشته‌اند و شرح و شارح را معرفی کرده‌اند و شیوه کار خود را در تصحیح متن و نگارش تعلیقات شرح داده‌اند. در پایان کتاب فهرس لازم آمده است که عبارتند از: فهرست آیات قرآن مجید، فهرست احادیث، فهرست اشعار عربی، فهرست موضوعی، فهرست اعلام، فهرست جایها، کشف‌الابیات (که به آن جداگانه اشاره کردیم) و در پایان کتابشناسی منابع و مراجع مورد استفاده برای نگارش تعلیقات. در تعلیقات، ترجمه تعامی آیات قرآنی، و احادیث و اشعار و عبارات عربی آمده است. و بدینسان اثر کهنی را با کاربست روشها و اسلوب تازه، چنانکه باید و شاید آراسته و پیراسته‌اند. و به عالم حافظ پژوهی و تحقیقات عرفانی و ادبی عرضه داشته‌اند. ناشر نیز حروفچینی و صفحه‌آرایی شیوا و دقیق و چاپ و صحافی شایسته‌ای به عمل آورده است. تلاش همه دست‌اندرکاران ماجور و مشکور باد.